

## بررسی انواع هدایت در قرآن کریم

مهمین قاسمی راد<sup>۱</sup>

<sup>۱</sup> معلم رسمی آموزش و پرورش، و مدرس حوزه علمیه خواهران

### چکیده

اصلی ترین حقیقتی که به موازات جریان آفرینش تحقق داشته و پدیده های هستی را مرتبط با مبدأ و منتهای عالم، جهت دار و سامان یافته نموده، حقیقت هدایت است. هدایت فروغ و روشنایی درونی پدیده هاست، که در سایه ی آن موجودات، در مسیر صحیح قرار گرفته، برای حرکت به سوی سعادت حقیقی سعی می نمایند، این مقاله، پژوهشی توصیفی-تحلیلی است که ضمن بررسی مفهوم هدایت، به بررسی انواع هدایت، در دستگاه خاص قرآن می پردازد. از مهم ترین نتایج این پژوهش این است که "هدایت"، به معنای راهنمایی از روی لطف و خیر خواهی که منجر به رسیدن به مطلوب و هدف شود، می باشد به استناد قرآن کریم، هدایت خداوند متعال، در چهار نوع هدایت تکوینی عمومی، هدایت تکوینی انسان ها، هدایت پاداشی، هدایت تشریعی منحصر می شود.

واژه های کلیدی: قرآن، انواع هدایت، آفرینش

## مقدمه:

خداوند در قرآن کریم، برنامه بهره برداری از جهان طبیعت را به وسیله ی پیامبران و کتب آسمانی در اختیار انسان قرار داده تا به دنبال تبعیت از پیامبران و دستورات الهی، سنت تغییر ناپذیر هدایت الهی، آن ها را در دنیا و عقبی به زندگانی سعادتمند و لقای الهی رهنمون سازد، بر اساس آیات کریمه، "هدایت"، یکی از سنت های الهیست، که در رابطه با همه ی موجودات هستی اعم از انسان و غیر انسان جاری و ساری است، بر این اساس و با توجه به اهمیت هدایت، در سعادت و تعالی انسان، تحقیق و بررسی در موضوع "هدایت" و دستیابی به معرفت در این زمینه ضروری به نظر می رسد، چرا که در سایه ی این معرفت، می توان چنگ به ریسمان هدایت هادیان زد و به سر منزل مقصود رسید، لازم به ذکر است، در تحقیقاتی که در رابطه با "هدایت" نگاشته شده، به انواع هدایت با رویکرد تفسیری پرداخته نشده است، بر این اساس در مقاله حاضر سعی بر این بوده که به انواع هدایت بر اساس آیات و تفاسیر پرداخته شود.

## ۱- مفهوم شناسی

هدایت در لغت به معنای "تبیان" (مرتضی زبیدی، ۱۴۱۴؛ مصطفوی، ۱۴۳۰) "ارشاد" (جوهری، ۱۳۷۶؛ طریحی، ۱۳۷۵، موسی، ۱۴۱۰) "و راهنمایی از روی لطف و خیر خواهی که منجر به رسیدن به مطلوب و هدف شود" (مرتضی زبیدی، ۱۴۱۴؛ مصطفوی، ۱۴۳۰) می باشد و در مقابل ضلالت قرار دارد (مطرزی، ۱۹۷۹م،؛ مهنا، ۱۴۱۳؛ ابن اثیر، ۱۳۶۷؛ ابن منظور، ۱۴۱۴، ۳۵۳؛ ابن سیده، ۱۴۲۱). این کلمه، مترادف با واژه "رشد"، "دلالت"، "بیان" و "نجات" است (اسماعیل حسینی، ۱۴۱۴). مؤلف محترم کتاب «التحقیق فی کلمات القرآن» در معنای هدایت می فرماید: اصل در معنای هدایت: همان بیان طریق رشد و تمکن از وصول به شیء است یعنی دلالت به سوی آن شیء می باشد. (مصطفوی، ۱۴۳۰، ج ۱۱ ص ۲۶)

## ۲- انواع هدایت در قرآن کریم

## ۱-۲- هدایت تکوینی عمومی

«هدایت تکوینی به معنای اعطای همه ی ابزار کمال و رساندن به هدف است و همه ی موجودات را در بر می گیرد»، (چون خداوند همه ی موجودات را از راه فطرت و یا غریزه یا میل، به کمال های شایسته ی آن ها راهنمایی کرده است) (جوادی آملی، ۱۳۸۵، ج ۱۶، ص ۴۷) به عبادت دیگر، هر موجودی که خداوند عالم، خلق می کند به تناسب وجود خویش، ذاتاً متمایل به کمال وجودی خویش می باشد. این خداوند حکیم با فراهم آوردن زمینه ها و قابلیت ها، موجودات را به سوی کمال لایق خود راهنمایی می کند؛ در پرتو چنین هدایتی است که، تمام مخلوقات (جان دار و بی جان) بر اساس مقتضیات، قوا و استعدادهای درونی خود به نتیجه ای که بر خلقت آن ها مترتب است خواهند رسید، بدیهی است که این هدایت اختصاص به موجود خاصی ندارد و تمام موجودات عالم هستی از جماد، نبات، حیوان و انسان را در بر می گیرد؛ به طوری که قوام و پایداری همه ی موجودات و هماهنگی او با طبیعت نیز در اثر همین هدایت است. و اساساً نظام آفرینش و تعادلی که در

میان موجودات عالم برقرار است بستگی به همین هدایت تکوینی الهی دارد. بر اساس همین نوع هدایت است که گیاهان و حیوانات با راه های تغذیه و دفاع خود آشنا هستند و حیوانات به کمک گرایش خود راه زندگی را می پیمایند و حتی در مورد انسان ها نیز بچه ای که از شکم مادر پا به عرصه ی وجود می گذارد، در جست و جوی غذا بر ای حفظ حیات خویش است و با گریه کردن ناملاتمت را به پدر و مادر خود خبر می دهد. نمونه آیاتی از قرآن کریم را که به این "هدایت" اشاره دارد عبارتند از:

الف. «رَبَّنَا الَّذِي أَعْطَى كُلَّ شَيْءٍ خَلْقَهُ ثُمَّ هَدَى» (طه: ۵۰) (پروردگار ما همان کسی است که به هر موجودی آن چه را که لازمه ی آفرینش او بوده داده و سپس هدایت کرده است.) مراد از هدایت در آیه را هدایت همه ی اشیا به سوی مطلوبشان می داند، همان مطلوب و همان هدفی که به خاطر آن خلق شده اند (طباطبایی، ۱۴۱۷، ج ۱۴، ص ۱۶۶)

ب. «الَّذِي خَلَقْتَنِي فَهَوَّ يَهْدِينِ» (شعرا: ۷۸) حضرت ابراهیم (ع) به توصیف پروردگار جهانیان و ذکر نعمتهای معنوی و مادی او می پردازد نخست از نعمت آفرینش و هدایت، شروع کرده، می گوید: "او کسی است که مرا آفرید، و هم او مرا هدایت می کند" (الَّذِي خَلَقْتَنِي فَهَوَّ يَهْدِينِ): هم در عالم تکوین هدایت کرده و وسائل حیات مادی و معنوی در اختیارم گذارده، و هم در عالم تشریع، وحی و کتاب آسمانی، برای من فرستاده است. ذکر کلمه "فاء" بعد از آفرینش، اشاره به این است که هدایت از خلقت جدا نیست و دوش به دوش آن، همه جا پیش می رود، و جمله "یهدین" که به صورت "فعل مضارع" آمده است دلیل روشنی بر استمرار هدایت و نیاز انسان به او در تمام عمر است. (مکارم شیرازی، ۱۳۷۷، ج ۱۵، ص ۲۵۷)

ج. «سَبِّحْ اسْمَ رَبِّكَ الْأَعْلَى الَّذِي خَلَقَ فَسَوَّى وَالَّذِي قَدَّرَ فَهَدَى (اعلی، ۳-۱): "منظور از "تقدیر" همان اندازه گیری و تعیین برنامه های حرکت به سوی اهدافی است که موجودات به خاطر آن آفریده شده اند. و منظور از "هدایت" همان هدایت تکوینی است که به صورت انگیزه ها و قوانینی که به هر موجودی حاکم ساخته (اعم از انگیزه های درونی و برونی می باشد. فی المثل از یک سو پستان مادر و شیر آن را برای تغذیه طفل آفریده و به مادر عاطفه شدید مادری داده و از سوی دیگر در طفل انگیزه های آفریده که او را به سوی پستان مادر می کشاند، و این آمادگی و جاذبه دو جانبه در مسیر هدف، در همه موجودات دیده می شود. خلاصه اینکه: دقت در ساختمان هر موجود و مسیری را که در طول عمر خود طی می کند، به وضوح این حقیقت را نشان می دهد که برنامه ریزی دقیقی دارد، و دست هدایت نیرومندی پشت سر آن است، و آن برای اجرای این برنامه ها کمک می کند، و این نشانه دیگری از ربوبیت پروردگار است (مکارم شیرازی، ۱۳۷۷، ج ۲۶، ص ۳۸۶)

## ۲-۲- هدایت تکوینی انسان ها

خداوند کریم علاوه بر هدایت تکوینی عمومی، انسان را به نوع دیگری از هدایت متمایز کرده که از آن به "هدایت تکوینی انسان ها" یا "هدایت فکری و وجدانی" تعبیر می شود. عقل و اندیشه، یک مرحمت الهی و یکی از نعمت های اختصاصی انسان در برابر حیوانات

است که مانند چراغی راه زندگی را روشن می کند، و انسان می تواند در تمام مراحل زندگی با چیدن چند مقدمه در کنار هم به نتیجه هایی برسد که نا آن زمان از آن ها بی خبر بوده است و به مدد آن خوبی ها را از بدی ها، ارزش ها را از ضد ارزش ها تمییز دهد و راه بهتر زیستن و استفاده از نیروهای طبیعی را به تجربه کند. در روایات اسلامی نیز عقل یکی از دو حجت خداوند بر انسان ها معرفی شده است (حجت خداوند بر بندگان، پیامبران هستند و حجت میان بندگان و خداوند عقل است. " (کلینی، ۱۴۲۹، جلد ۱، ص ۱۶) در روایات دیگری امام صادق (ع) عقل را زینت و جمال معنوی انسان و روشنگر وی در مسیر زندگی یاد کرده اند که انسان ها در مسیر آن آفریدگار خود را شناخته و خوبی ها را از بدی ها تمییز می دهند (همان، ص ۳۰) به واسطه ی این نوع هدایت، انسان از درون و وجدان خود، میان خوبی ها و بدی ها تمییز می دهد، دادگری، شکرگزاری و نعمت و وفای به عهد و پیمان و راستگویی و نظایر آن را از کارهای شایسته و ارزش های متعالی به شمار می برد و ستمگری و کفران نعمت، پیمان شکنی و دروغ گویی و امثال آن از کارهای ناپسند و ضد ارزش می شمارد رسول اکرم (ص) می فرماید: «هر کودکی به فطرت خداپرستی و گرایش به اسلام به دنیا می آید، لکن پدر و مادر او به خاطر تربیت ناصحیح وی او را یهودی یا نصرانی می گردانند (همان، ج ۱۱، ص ۳۵۴) از جمله آیاتی که به روشنی از این نوع هدایت گزارش می دهد، آیه ی ۸-۷ سوره ی شمس می باشد: «وَنَفْسٍ وَّ مَا سَوَّاهَا فَأَلْهَمَهَا فُجُورَهَا وَتَقْوَاهَا» صاحب تفسیر نمونه، در تفسیر این آیه می فرماید: "و قسم به جان آدمی، و آن کس که آن را (آفریده و) منظم ساخته» (و نفس و ما سواها). : منظور از «نفس» جسم و روح هر دو می باشد و مراد از «سوایها» (از ماده تسویه) هم تنظیم و تعدیل قوای روحی انسان است، از حواس ظاهر گرفته، تا نیروی ادراک، حافظه، انتقال، تخیل، ابتکار، عشق، اراده و تصمیم، و مانند آن که در مباحث «علم النفس» مطرح شده است. و هم تمام شگفتیهای نظامات بدن و دستگاههای مختلف آن را که در علم «تشریح» و «فیزیولوژی» (وظایف الاعضاء) بطور گسترده مورد بحث قرار گرفته شامل می شود چرا که شگفتیهای قدرت خداوند هم در جسم است و هم در جان و اختصاص به یکی از این دو ندارد. در این آیه به یکی از مهمترین مسائل مربوط به آفرینش انسان پرداخته، می افزاید: «سپس فجور و تقوا (شر و خیرش) را به او الهام کرده است» (فألهمها فجورها و تقواها). خداوند آن چنان قدرت تشخیص و عقل و وجدان بیدار، به او داده که فجور و تقوا را از طریق عقل و فطرت در می یابد. آری! هنگامی که خلقتش تکمیل شد، و هستی او تحقق یافت، خداوند بایدها و نبایدها را به او تعلیم داد، و به این ترتیب وجودی شد از نظر آفرینش مجموعه ای از گل بدبو و روح الهی و از نظر تعلیمات آگاه بر فجور و تقوا و در نتیجه، وجودی است که می تواند در قوس صعودی برتر از فرشتگان گردد و در قوس نزولی از حیوانات درنده نیز منحط تر گردد و این منوط به آن است که با اراده و انتخابگری خویش کدام مسیر را برگزیند (مکارم شیرازی، ۱۳۷۷، ج ۱۵، ص ۵۱۰)

### ۳-۲- هدایت پاداشی

در موارد متعددی قرآن کریم، خود را مایه ی هدایت و رحمت برای گروه مومنان و محسنان و متقین و اسلام آورندگان و صاحبان یقین معرفی کرده است و از همین آیات استفاده می شود که قرآن علاوه بر هدایت عامی که برای همه ی بشر از مومن و کافر دارد، هدایت ویژه ای دارد به نام "هدایت پاداشی مومنان" که از آن به "ایصال به مطلوب" و "تسدید و تأیید مومنان" نیز تعبیر می شود. این هدایت اختصاص به مومنان و راهیان راه خدا دارد و برای مکلفانی است که با حسن اختیار خود، هدایت ابتدایی خداوند و حق را پذیرفته اند و به آن

عمل کرده اند و دل را در معرض تابش نور الهی قرار داده اند. در چنین صورتی خداوند فیاض با هدایت خاص خود، چنین بنده ای را نوازش داده و او را بالا می برد و به مراحل عالی می رساند. "کسی که طبق هدایت تشریعی به معارف الهی ایمان بیاورد و به احکام دین عمل کند خداوند متعال به او توفیقی می دهد که تا بقیه ی راه را به آسانی ببیماید و این توفیق نتیجه ی عمل او است، «فَأَمَّا مَنْ أَعْطَى وَ اتَّقَى وَ صدَّقَ بالحسن، فَنَیْسِرَهُ لِلْیَسْرِ» ( لیل، ۷-۵) (آن که اهل عطا و تقوا و تصدیق یکی ما باشد به زودی راه آسانی پیش پای او می گذاریم تا به راحتی راه های تکامل را ببیماید و این همان "هدایت پاداشی" است (جوادی آملی، ۱۳۸۹، ص ۴۸) در توضیح بیشتر "هدایت پاداشی" خاطر نشان می شویم که هدایت ویژه ی الهی مختص انسان هایی است که قابلیت لازم را در خود فراهم آورده باشند. به عبارت دیگر "اگر کسی اعتقاد و عمل خود را در برابر رضای خدا سامان داد خداوند به او پاداش می دهد و قلبش را برای پذیرش معارف برتر آماده می کند و او را به مقصد می رساند (جوادی آملی، ۱۳۸۹، ج ۲، ص ۱۹۱-۱۹۰) به همین دلیل از "هدایت پاداشی" تعبیر به "ایصال به مطلوب" می کنند، چرا که در اصل وقتی بنده ای عمل و اعتقاد خودش را در برابر رضای الهی سامان داد، خداوند کریم نیروهای علمی انسان را از بینش خاص و نیروهای عملی او را از کشش و کوشش مخصوص برخوردار می کند تا پیمودن راه و نیل به هدف نهایی به وفق مراد حاصل شود و به عبارت دیگر، "دستگیری قدم به قدم" از عبد سالک می کند (جوادی آملی، ۱۳۸۹، ج ۱، ص ۴۵۹) از همین رو از این دستگیری الهی، به "ایصال به مطلوب" تعبیر می شود. آیاتی نظیر "وَالَّذِينَ اهْتَدَوْا زَادَهُمْ هُدًى" (محمد، ۱۷) و "مَنْ یُؤْمِنْ بِاللّهِ یَهْدِیْ قَلْبَهُ" (تغابن: ۱۱) و "یَهْدِیْ اِلَیْهِ مَنْ یُّنِیبُ" (شوری: ۱۳) و "اللّهُ یَهْدِیْ مَنْ یَّشَاءُ اِلَی صِرَاطٍ مُسْتَقِیْمٍ" (بقره: ۲۱۳) ناظر بر این هدایت است. «و هم چنین آیه ی شریفه ی "إِهْدِنَا الصِّرَاطَ الْمُسْتَقِیْمَ" (حمد، ۶) نیز به این معنا است، یعنی خدایا راه تقرب به خودت را به ما نشان دادی، آن را شناختیم و به سوی تو آمدیم، اکنون نورانیتی عطا کن تا از طاعت تو لذت ببریم و از معصیت تو برنجیم. «در ادامه ی مطلب به نکته ای می پردازیم که خالی از لطف نیست، در برخی از آیاتی که بیان شد و آیات دیگر، هدایت الهی، به اراده و مشیت خداوند متعلق شده است، لکن با توجه به نکته هایی که قبلا بیان شد، مشخص است که مشیت الهی بدون ملاک و ضابطه نیست و بر اساس ملاک های حکیمانه است. یعنی: هدایت الهی، بر هدایت افرادی است که راه او را رفته اند و اعتقادات و اخلاق خود را مطابق با رضای الهی کرده اند.

#### ۴-۲- هدایت تشریعی

هدایت تشریعی: به معنای راهنمایی و بیان قانون حلال و حرام خداوند که در منابع دین آمده است؛ پروردگار متعال قانون سعادت بحش خود را در اختیار انسان قرار می دهد و با امر به فضائل و نهی از رذائل او را آماده می سازد تا به انتخاب و اختیار خویش راهی را برگزیند. هدایت تشریعی از طریق "ابلاغ دین" به همگان صورت می پذیرد. و آن مجموعه ی قوانین الهی است که سه بخش دارد، "اعتقاد" و "اخلاق" و "احکام" (جوادی آملی، ۱۳۸۵، ص ۴۷) نکته ی قابل توجه این است که، هدایت تشریعی، نوعی از هدایت است، که خداوند متعال به دلیل بهره مندی از نعمت عقل و اختیار، از طریق انزال کتاب و فرستادن پیامبران برای او در نظر گرفته است. ممکن است در این جا سوالی مطرح شود که با وجود بُعد ملکوتی وجود انسان، و کشش انسان به سوی خوبی ها چه نیازی به این نوع هدایت است؛ البته در پاسخ به این سوال باید اذعان داشت که پاسخ به این مسئله نیاز به فرصت و مجال بیشتری دارد لکن در این جا به طور اختصار به این سوال

جواب می دهیم که: درست است که آرمان های کمال، ریشه ی فطری دارند؛ وجدان و بُعد ملکوتی وجود انسان، او را به این آرمان های متعالی رهنمون می سازند، لکن در برابر این کشش ها، کشش های متقابل وجود دارد، و شیاطین بشری و غیر بشری و یا بعد ملکی و حیوانی انسان در نقطه ی مقابل آن قرار دارند و او را به سوی تباهی و زیر پا گذاشتن ارزش های متعالی سوق می دهند و در صورت عدم اعزام پیامبران و منادیان خوبی ها، زمینه ی کافی برای رشد و تعالی انسان و حرکت به سوی هدف والای "پروردگار حکیم" که انسان ها برای آن آفریده شده اند، فراهم نمی گردیده همین دلیل، هدایت تشریعی در قرآن کریم از اهمیت فوق العاده ای برخوردار است که با هدایت فطری قابل قیاس نمی باشد. چرا که: "اولاً: قلمرو هدایت فطری نسبت به هدایت تشریعی، محدود است زیرا بسیاری از بایستی ها و نبایستی ها و دستورات تعالی بخش در ابعاد مختلف زندگی انسان از افق هدایت فطری برتر است، و ثانیاً: اگر هدایت تشریعی نباشد، هدایت فطری بدون پشتوانه خواهد بود و در مقابل عوامل مختلف گمراهی که از درون و بیرون انسان را به ضلالت سوق می دهند فروغی نخواهند داشت (ربانی گلیپایگانی، ۱۳۹۱، ص ۲۰۷) آیاتی نظیر هُوَ الَّذِي أَرْسَلَ رَسُولَهُ بِالْهُدَىٰ وَ دِينِ الْحَقِّ (توبه: ۳۳) وَ أَنْكَ لَتَهْدِي إِلَىٰ صِرَاطٍ مُسْتَقِيمٍ (شوری: ۵۲) و اَنَا هَدِيْنَاهُ السَّبِيْلَ اِمَّا شَاكِرًا و اِمَّا كَفُوْرًا (انسان: ۳) بیانگر حقیقت "هدایت تشریعی" می باشند، در واقع می توان گفت همه ی آیاتی که درباره ی پیامبران و کتب آسمانی نازل شده مربوط به هدایت تشریعی هستند که آیات بسیاری را در قرآن به خود اختصاص داده اند.

### نتیجه گیری

- آ- در فرهنگ قرآن، هدف نهایی از خلقت انسان، رسیدن به کمال و مقام خلیفه ی الهی و آراسته شدن به صفات جمال و جلال الهی است و این مقصد جز در سایه ی "هدایت" حاصل نخواهد شد.
- ب- هدایت در لغت به معنای "تبیان"، "ارشاد"، "راهنمایی از روی لطف و خیر خواهی که منجر به رسیدن به مطلوب و هدف شود" و در اصطلاح "همان بیان طریق رشد و تمکن از وصول به شیء است یعنی دلالت به سوی آن شیء می باشد"، در مقابل ضلالت قرار دارد، مترادف با واژه "رشد"، "دلالت"، "بیان" و "نجات" است.
- ج- بر اساس آیات کریمه هدایت الهی در چهار نوع منحصر می شود که عبارتند از:
- ۱- هدایت تکوینی عمومی: که شامل همه ی موجودات هستی می باشد. و عبارتست از رساندن همه ی مخلوقات، به کمال لایقشان.
  - ۲- هدایت تکوینی همه ی انسان ها که به دو صورت فکری، وجدانی و محقق می شود.
  - ۳- هدایت پاداشی: که بر اساس کارکرد خوب مومنان در دنیا و استفاده از عوامل هدایت نصیبشان می شود. که از آن به هدایت پاداشی یا تکوینی ویژه و یا ایصال به مطلوب تعبیر می شود
  - ۴- هدایت تشریعی، که مختص انسان ها بوده و عبارتست از ارسال رسل و انزال کتب آسمانی برای هدایت انسان ها.

مراجع و منابع

- ۱- قرآن کریم
- ۲- مرتضی زبیدی، محمد بن محمد (۱۴۱۴)، تاج العروس من جواهر القاموس، بیروت: دارالفکر
- ۳- مصطفوی، حسن (۱۴۳۰) التحقيق فی کلمات القرآن، سوم، بیروت: دارالکتب العلمیه،
- ۴- جوهری، اسماعیل بن حماد (۱۳۷۶)، الصحاح، اول، بیروت: دار العلم للملایین
- ۵- طریحی، فخرالدین (۱۳۷۵)، مجمع البحرین، ج ۱ و ۲، سوم، تهران: کتاب فروشی مرتضوی
- ۶- موسی، حسین یوسف (۱۴۱۰)، الافصح، چهارم، قم: مکتب الاعلام اسلامی
- ۷- مطرزی، ناصر بن عبدالسید (۱۹۷۹)، المغرب فی ترتیب المغرب، اول، حلب، مکتبه اسامه بن زید
- ۸- مهنا، عبدالله علی (۱۴۱۳)، لسان السان، دارالکتب العلمیه، بیروت، اول
- ۹- ابن اثیر، مبارک بن محمد (۱۳۶۷)، النهایه فی غریب الحدیث و الاثر، چهارم، قم: موسسه ی مطبوعاتی اسماعیلیان
- ۱۰- ابن منظور، محمد بن مکرم (۱۴۱۴)، لسان العرب، بیروت، دارصاد
- ۱۱- ابن سیده، علی بن اسماعیل (۱۴۲۱)، محکم و محیط الاعظم، اول، بیروت: دارالکتب العلمیه
- ۱۲- اسماعیل حسینی، محمود (۱۴۱۴)، المکنز العربی المعاصر، اول بیروت: مکتبه لبنان ناشرون
- ۱۳- جوادی آملی، عبدالله (۱۳۸۵)، تفسیر موضوعی قرآن، اسراء، قم، دوم
- ۱۴- طباطبائی، محمد حسین (۱۴۱۷)، المیزان فی تفسیر القرآن، پنجم، قم: جامعه ی مدرسین حوزه ی علمیه قم
- ۱۵- مکارم شیرازی، ناصر و دیگران (۱۳۷۷)، تفسیر نمونه، ج ۱۵ و ۲۶
- ۱۶- کلینی، ابو جعفر، محمد بن یعقوب (۱۴۲۹)، الکافی، دار الحدیث للطباعه و النشر، اول، قم
- ۱۷- جوادی آملی، عبدالله (۱۳۸۹)، تفسیر تسنیم، ج ۱ و ۲۲ اسراء، ششم، قم
- ۱۸- ربانی گلپایگانی، علی (۱۳۹۱)، جبر و اختیار، موسسه امام صادق (ع)، چهارم، قم،